



25 می 2016



داکتر سید عبدالله کاظم

نظری به موقف کسانی که روی اجبار به وطن ماندند!

بخاطر دارم وقتی در زندان بودم، بعد از حمله ای یکی از زندانی ها بر قوماندان محبس پلچرخي در اواسط سال 1358 شمسی (دوره تره کی - امین) شرایط سخت زندان کمی تغییر کرد و برای هر دهلیز یک پایه تلویزیون کوچک آوردند و زندانی های هر دهلیز با اشتیاق کامل به این تغییر دلخوش بودند و سر ساعت موعود همه در دهلیز باریک و طولانی جلو تلویزیون می نشستند و به برنامه های آن که فقط برای سه ساعت نشرات داشت، نگاه میکردند. یکی از شب ها چهره ای بسیار آشنا جناب داکتر عبدالواحد سرابی سابق رئیس پوهنهی اقتصاد و وزیر پلان در نظام شاهی روی صفحه تلویزیون برای انجام یک مصاحبه پدیدار شد که در برابر سؤالهای متعدد مصاحبه کننده چنان جوابهای قاطع در جهت حمایت از رژیم خلقی ارائه میکرد که با شنیدن آن تعجب کردم. میدانستم که او هیچگاهی در همچو جریانات نه علاقمند بود و نه از نظر فکری به آن متمایل. حدس زدم که او از ترس جان و زیر فشار به ابراز حمایت از رژیم پرداخته و او را به حیث یکی از شخصیت های سرشناس هزاره مجبور به اینکار ساخته و با همین مصاحبه دیگر راه برگشت برایش نگذاشته اند، تا آنکه او را در دام خود انداختند و در دوره های بعدی بالترتیب به مقام های عالی ارتقا دادند که در نهایت در زمان نجیب به معاونیت ریاست جمهوری رسید.

این شیوه پس از سقوط امین و جاگزین شدن ببرک کارمل بوسیله تهاجم قوای شوروی به کشور بیشتر شد، زیرا مردم از همان روز های اول برای کارمل لقب شاه شجاع دوم را دادند و از اینکه او بوسیله قوای بیگانه بقدرت رسیده بود، ابراز انزجار میکردند. با آنکه کارمل در قدم اول به رهائی زندانیان سیاسی اقدام کرد تا بتواند اعتماد مردم را به خود جلب کند، ولی این اقدام احساس مردم را در برابر او تغییر نداد. ببرک کارمل برای جلب نظر مردم در سال اول قدرت خود به منظور جلب نظر جوانان، دانشمندان، علمای دینی، نویسندگان، هنرمندان و شخصیت های قومی به تدویر کنفرانسها و تشکیل انواع اتحادیه ها پرداخت تا بدانوسیله شخصیت های غیرحزبی را به نحوی در چارچوب همچو تشکیلات بدور حزب جمع کند.

کارمل بعداً به اقدام وسیع تر دست یازید و بتاريخ 15 جون 1981 با تجمع بیش از یک هزار نفر به تشکیل یک جبهه بنام "جبهه ملی پدر وطن" پرداخت و تعدادی کثیر از شخصیت غیرحزبی را شامل آن ساخت. سلطان علی کشتمند در کتاب خاطرات خود تحت عنوان "یادداشتهای سیاسی و رویدادهای تاریخی" (جلد سوم، صفحه 673) اسمای 95 نفر مشتمل بر یک تعداد اراکین حزبی، شخصیت های

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ

سرشناس غیرحزبی و عده ای اشخاص گمنام را به حیث کمیته ملی آن جبهه به نشر سپرد که اشخاص ذیل در جمله شخصیت های غیرحزبی و سرشناس کشور شامل بودند: احمد علی کهزاد، صالحه فاروق اعتمادی، عبدالقیوم بیسد، عبدالکریم حقانی، عبدالطیف ناظمی، عبدالله بختیانی، عبدالهادی داوی، علی محمدزهما، غوث الدین رسام، فتح محمد فرقه مشر، گل احمد فرید، محمد حسین سرآهنگ، محمدصدیق طرزی، محمد نعیم شایان، محمدهاشم کامه وال، میرمحمد افضل میرگازرگاه، محمود حبیبی، واصف باختری و تعداد دیگر که در بین آنها تعدادی از اراکین حزبی نیز شامل بودند. از جمله 95 نفر به تعداد 23 نفر به حیث اعضای هیئت اجراییه انتخاب شدند.

تشکیل این جبهه نتوانست اعتماد مردم را به رژیم دست نشانده جلب کند، بلکه بیشتر به مبارزات مردم علیه رژیم افزود و ببرک کارمل زیر فشار مسکو ناگزیر شد با آوردن تغییر در سیاست های رژیم موافقت کند. این تغییرات را کارمل در یک سند حزبی در ده فقره طی جلسه شورای انقلابی مورخ 13 نوامبر 1985 اعلان کرد که بعداً به "تیزهای ده گانه" ببرک کارمل شهرت یافت که با اختصار نقاط ذیل را احتوا میکرد: 1- دعوت رسمی از تمام جناح ها به مصالحه و آشتی؛ 2 - شرکت طیف وسیعی از متحدین سیاسی در مقامات رهبری کننده دولت؛ 3 - مذاکره و مفاهمه با مخالفان مسلح رژیم؛ 4 - عفو عمومی مخالفان در صورت قبول مصالحه؛ 5 - خروج قوای شوروی به مجرد قطع مداخلات از خارج؛ 6 - ارائه تضمینات برای بازگشت داوطلبانه مهاجرین از خارج؛ 7 - برابری "ملیتهای برادر" در عمل؛ 8 - جهاد ملی برضد بیسوادی؛ 9 - تأمین ارتقای اقتصادی با اشتراک قاطبه مردم؛ 10 - جلب همکاری علمای دینی و احترام به ارزش های دین مبین اسلام. (برای شرح مزید دیده شود: کشتمند، سلطان علی: "یادداشت های سیاسی و رویدادهای تاریخی" جلد سوم، چاپ دوم، کابل، 2003، صفحه 711 تا 722)

از جمله نقاط فوق به ارتباط موضوع بحث این مقاله آنچه تحت شماره 2 مختصر ذکر شد، همانا زیر عنوان «گسترش پایه های اجتماعی انقلاب» با این شرح قابل توجه است که: «تغییر و توسعه رهبری ارگانهای دولتی، یعنی شمول نمایندگان با اعتبار مردم که انعکاس دهنده منافع اقشار و گروه های گوناگون جامعه ما باشند، در شورای انقلابی و شورای وزیران ج د [جمهوری دموکراتیک افغانستان]، این بدین معنی است که این مقامات تنها در انحصار حزب دموکراتیک خلق افغانستان نخواهد بود.» (مأخذ فوق... صفحه 717)

کشتمند در این ارتباط می نویسد: «پس از اعلام این سند که به تصویب شورای انقلاب ج د ا رسیده بود، در عمل نیز تغییرات معینی رخ داد. از جمله شخصیت های معین غیرحزبی و وابسته به احزاب و سازمانهای موجود برای عضویت در شورای انقلابی و شورای وزیران و در جبهه ملی پدر وطن دعوت شدند؛ مذاکرات با احزاب، سازمانها و گروه های اجتماعی و سیاسی موجود در کشور آغاز شد و زمینه ها برای فعالیت های سیاسی و اجتماعی آنها فراهم گردید....» (مأخذ فوق... صفحه 723)

د پانو شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

داکتر حسن شرق یک شخصیت مرموز و شایع مرتبط با "ک ج ب" در کتاب "کرباس پوشهای برهنه پا" در این ارتباط می نویسد: «تشکیلات وسیع جبهه بنام پدر وطن که در شهرها و دورترین گوشه و کنار افغانستان گروهکهای از مامورین متقاعد بینوا، و پیر مردان محتاج، و تاجران و ملاکان استفاده جو، مداحان علما صفت و اشخاص مجبور گردانیده شده را تحت نان متنفین و نمایندگان با اعتبار مردم به صدها حيله و تحديد [تهديد] باصرف مليونها افغانی به رهبری یکی از سرمایه داران شناخته شده و سرسپرده بی چون و چرای رهبری گروه پرچم برای جلب و جذب آنهایی که در حزب شامل نمی شدند، به نفع حزب و به پیروی از حزب بوجود آورده بودند.... جبهه با چند تغییر نام از جبهه ملی پدر وطن، به جبهه ملی و کمسیون مصالحه و جبهه صلح نتوانست تأثیری بمردم وارد آورد و یا اثبات موجودیت نماید.... رهبری حزبی بمقابل دانشمندان و روی شناسان با تغییر جهت، نه تغییر ماهیت روی آوردند و با ارادت بیش از حد به نوازش و دلگرمی و در واقعیت امر به فریب آنها بکشیدن به دوائر دولتی و به اتحادیه های نویسندگان، حقوق دانان و غیره سازمان های اجتماعی اقدام کردند... دستگاہ رهبری با دائر نمودن مجالس حزبی، سمینارها و کنفرانس ها و کارهای داوطلبانه روشنفکران و نشر آن به تلویزیون و روزنامه ها روز تا روز می افزودند و برابر به آن به تقسیم پول، توزیع نشانها، ارتقای رتبه های علمی، بالا کشیدن بیطرفها به مقامات عالی برای راضی نگه داشتن آنها می کوشیدند. مگر باز هم نتیجه آن غیر مؤثر برای آرامش و همکاری با دولت بود، زیرا جنگ علت دیگر و معلول دیگر داشت و زمامداران معلول و علت دیگری را می پالیدند.» (شرق، داکتر حسن: "کرباس پوشهای برهنه پا"، هندوستان، چاپ اول، صفحات 202، 203، 205 و 207)

سید امان الدین امین یکی از انجیران افغان که سالها در ساحه نساجی خدمت کرده و یک شخصیت غیرحزبی بود، اما در دوره نجیب تا مقام معاون شورای وزیران ارتقا کرد، در کتاب خاطرات خود می نویسد که سلطان علی کشتمند (صدراعظم) او را به اتاق کار خود دعوت کرد و از او پرسید که: «آیا از تحولات جدید درپالیسی حزب و اعلان تیزس های ده گانه رفیق کارمل اطلاع دارم و مطالب مندرج روزنامه ها را در روزهای اخیر مطالعه کرده بودم که متکی به آن حزب از انحصار قدرت صرف نظر نموده و اشخاص غیرحزبی و نیک نام و طرف اعتماد مردم را در کابینه شامل می سازد که به حیث اقدام تاریخی حزب پنداشته میشود... نظر شما در زمینه چیست؟» انجیر امین در جواب گفت: «تصمیم معقول اتخاذ شده...» بعد کشتمند با تبسم برایش گفت: «چهار نفر به حیث وزرای مشاور در بخش های جداگانه و یک نفر بحیث معاون شورای وزیران تعیین گردیده است و معاون شورای وزیران شما میباشید!» انجیر امین می نویسد: «من ابدأ انتظار شنیدن چنین مطلب را نداشتم و مات و مبهوت ماندم... انگیزه حزب در تعیین من در پست معاونیت نزد من روشن نشده و در مقابل عمل انجام شده قرار گرفتم که چاره ای جز قبول و یا ترک وطن نداشتم...» (امین، انجیرسید امان الدین: "خاطرات 1318 - 1371"، تهران، چاپ اول، 2006، صفحات 380 تا 383)

بعد از آنکه بنا بر لزوم دید مقامات شوروی بیرک کارمل از مقام برکنار و بجای او داکتر نجیب گماشته شد، این شیوه در چار چوب سیاست نام نهاد "مصالحه ملی" باز هم با جدیت بیشتر پیش گرفته شد،

تاجائیکه به تشکیل احزاب کوچک زیر نظر حزب سر اقتدار اجازه تشکیل داده شد. یکی از این احزاب کوچک همانا "جمعیت رستگاری ملی" بود که با نشر اعلامیه مورخ 29 سنبله 1368 (مطابق 19 آگست 1989) عرض وجود نمود. اعضای مؤسس این جمعیت عبارت بودند از پانزده شخصیت سرشناس و غیرحزبی کشور، هریک: پوهاند محمد اصغر سابق وزیر عدلیه به حیث رئیس، داکتر محمد امان سابق وزیر مالیه، جنرال عبدالحکیم کتوازی سابق قوماندان عمومی ژندارم و پولیس، انجنیر عبدالقدوس سابق معین وزارت معادن و صنایع، شیخ علی احمد فکور روحانی، محمد انور ضیائی سابق وزیر مالیه، دگر جنرال محمد عظیم سابق وزیر فواید عامه، پوهاند عبدالواسع سراج استاد پوهنتون، پوهنوال محمد انور ارغندیوال سابق وزیر عدلیه، داکتر محمد اکبر عمر سابق وزیر تجارت، عبدالحکیم سابق وزیر زراعت، پوهاند داکتر عبدالله واحدی سابق رئیس پوهنتون و بعد والی کابل، جنرال سید عثمان سابق رئیس محکمه نظامی، لعل گل فریاد سابق وکیل شورا و حفیظ الله سابق رئیس شرکت سرویس. (برگرفته از متن اعلامیه که کاپی آن نزد اینجانب موجود است)

از شرح فوق معلوم میشود که رژیم خلقی و پرچی در تلاش بود با جلب و جذب و گماشتن اشخاص غیرحزبی و مصروف ساختن آنها در جوار حزب بکوشد تا از یکطرف توجه مردم عوام را مبنی بر همکاری شخصیت های سرشناس جامعه به خود معطوف سازد و ازطرف دیگر از موجودیت آنها در برابر مخالفان مسلح یا به عبارت دیگر قوتهای جهادی استفاده نماید و مانع پیوستن این شخصیت ها با قوتهای جهادی کشور و مخالفان مسلح رژیم گردد. در حقیقت این یک دام تدویر بود که پیش پای شخصیت های غیرحزبی مقیم در داخل کشور نهاده شده بود و آنها برای بقای خود و فامیل خود ناگزیر به قبول آن شده بودند.

انتقاد بر این شخصیت ها که برطبق پالیسی رژیم به عضویت در شورای انقلابی و یا شورای وزیران و یا احزاب کوچک مجبور ساخته شده بودند و اما در هر مقام جزء مهره های صرف بنام بوده و نقشی در تصامیم مهمه نداشتند، کار ناصواب است؛ بالاخص انتقاد بر انهایی که نظر به مشکلات اقتصادی و یا خانوادگی نمی توانستند کشور را ترک کنند و برای زنده ماندن خود مجبور به اطاعت از دساتیر رژیم بودند. در بسا موارد دیده شده است که رژیم بعضی نویسندگان را مجبور به نوشتن مقالات به تاسی از حمایت رژیم میکردند و بعداً نوشته های آنها را پس از سانسور و کم و زیاد کردنها به نشر می سپردند، این ها همه واقعیت های تلخ آن روزگار بوده که نمیتوان از آن انکار کرد. خوشا بحال کسانیکه، وقتی از زیر این فشار های جان به سلامت برده و توانستند کشور را ترک نمایند و به جای امنی اقامت گزینند، آنوقت با نشر مقالات و کتابها به افشای حقایق پرداختند که یکی از آنها شخصیت محترم جناب استاد محمد اعظم سیستانی میباشد و نیز کسانیکه در بیرون کشور به فعالیت های ضد رژیم پرداختند که یکی از آنها مرحوم جنرال عبدالحکیم کتوازی بوده است. (پایان)

د پانیو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ